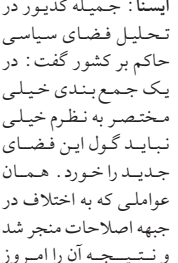


❑ خبرها

کدیور: اگر جای خاتمی بودم گفت وگویی تمدن‌ها را به موزه تاریخ می‌سپردم



ایسنا: فرید مدرسی عضو شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت با اشاره به سیاست های وزارت علوم در برخورد با انجمن های اسلامی دفتر تحکیم وحدت گفت: همه تحادیه های دانشجویی دارای دفتر مرکزی هستند؛ در حالی که مدت ها است دفتر مرکزی دفتر تحکیم وحدت در کوهه تلاش می باشد پیگیری مسائل شده است. ما در جدید تمامی تلاش خود را برای بازپس گیری آن به کار می گیریم و با تأسیسات نام ری رسیدن به حق مانده استاف می کنیم. ری همچنین گفت: تحکیم مانند سایر تحادیه های دانشجویی در دانشگاه به فعالیت خود در چارچوب قانون ادامه می دهد، پیس بهتر است وزارت علوم و مجموعه نهادهای موثر در تحکیم اضفا را برای حضور و متقدان در دانشگاه فراهم کنند، تا اینکه با صراحت اعلام کنند که اجازه فعالیت به آنها نمی دهند.

گفت و گوی حزب موافقه با

یلنا: اولین جلسه شورای مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در سال جدید با حضور اعضای هیات موسس و

تجربگان رهبری و مسائل هسته‌ای کشور اعلام خواهد کرد.

«جنبش دانشجویی» در ادبیات سیاسی سالیان اخیر بدل به مفهومی حجیم و توخالی شده است که چون از مرزهای انتزاع گذشته و به عالم مادی وارد می شود حبابی از پیش ترکیده است. جامعه دانشگاه، فعالان سیاسی، احزاب و ...

هم چیزی صوری و سراپا متکی به فرم و هم برتری رسمی» (۱۸). این رو است که فرصتی برای درگیری با واقعیت پیش نمی آید و اندیشه‌های سلطه می یابند. در چنین وضعیتی باید از جنبش دانشجویی گفت و بر آن تاخت، خود را درست آن باشد که از جریان‌های دانشجویی گفت. (آن چنان که در آگاهی‌های کاذب دیگر باید همه چیز را به مناسبت تولید و تحلیل نهایی حواله داد، با باید همه مشکلات اقتصاد را با بازار و تجارت آزاد حل کرد، باید به دستاوردهای مدرنیته یک پسوند دینی افزود، باید...) این برخورد صوری و شبه‌اسطوره‌ای... پیچیدگی‌های کنش‌های انسانی را راه می کشد و آنها را ساده می‌پوشد و هر گونه دیالکتیک و تضاد را در فرآیند بدون چهره‌ای می‌داند در دیردریاز حذف می‌کند و دنباله بدون

گزارش به واقع گرایی

نقدی بر تجربه‌های دانشجویی در سال گذشته

عماد بھاور

مسئله استقلال همواره از مسائل مناقشه‌برانگیز در فعالیت‌های سیاسی بوده است. چگونه می‌توان ثابت کرد که فردی مستقل است و یا وابسته؟ صحیح‌تر آن است که سؤال شود چگونه می‌توان افراد نفوذی را از سایر افراد تشخیص داد. آیا اساساً لازم است که چنین کاری صورت گیرد؟ آیا تشکل‌های دانشجویی «ارزش نفوذ» دارند؟ اگر دارند این امری خوب است یا بد؟

از دیگر سو همی کرایای گروه های مختلف دانشجویی بسیار شد که از اشتراکات عینی شان غافل شده و از عمل هماهنگی بازمانده و خواهش را مصروف مقابله با یکدیگر کنند. همچنین این ذهن گرای برای نشان خواسته های مطالبه ناظرین پدید آورده؛ آزادی، برابری، دموکراسی... اگرچه خواسته هایی بر خیزانند اما نمی توان از کسی طلب کرد که مطالبه نبودن خواسته های فعالان دانشجویی، آنان را در محدوده صدور بیانیه، انتشار نشریه و اقدامات سمبلیک متوقف کرد.

تجربه اخوان ثابت کرده است که به جای تصفیه فساد سیاسی، تخریب سازمان‌های دانشجویی و متعاقب آن ایجاد فتنه‌های گسترده و پر از هت‌های اتهامی می‌تواند با دست‌زدن به نوعی استنادزدستی فعالیت اساساً به احزاب و جریان‌های سیاسی فسادانگ که دانشجویان آن گونه که ایشان فکر می‌کنند ارزش نفوذ خود را ندارند. اگر قرار بر این باشد که در انتخابات کاندیدایی معرفی شود، باید انتخاباتی را تحریم کند، دیگر چه نیازی به نفوذ خود در تشکیلات دانشجویی باقی می‌ماند؟ به نظر می‌رسد که تغییر سطح فعالیت‌های دانشجویی از سطح درگیری در مسائل جاری سیاسی کشور به سطح مسائل کلان حقوق بشر و مسائل استثنایی می‌تواند به عنوان تنها راه برای ممکن جهت حفظ استقلال سازمان‌های دانشجویی مطرح باشد. در حقیقت باید این مسئله حیاتی را در سطحی بالاتر و با بوم «استراتژی دوری از قدرت» حل نمود. استراتژی دوری از قدرت که در دور دوم ریاست جمهوری خامنه‌ای توسط دانشجویان طرح شد، تنها به معنای کنارگذاشت فعالیت احزاب اپوزیسیون در شرکت در ایزدیسون نیست، بلکه شامل کنارگذاشت فعالیت‌های احزاب اپوزیسیون نیز می‌باشد. در تحریم انتخابات و طرح فرآیند دوم است. این گونه و هنگامی که فعالیت دانشجویان شامل دفاع از حقوق شهروندی، آزادی سیاسی، اعتراض به توقیف مطبوعات و با رسیدگی به خواسته‌های صنفی دانشجویی می‌شود، دیگر چه نیازی به نفوذ در تشکیلات دانشجویی برای جرایم سیاسی باقی می‌ماند؟ در این شرایط می‌توان حد را از جرایم سیاسی به حدی که از کارهای مرکزی احزاب به دور تشکیلات دانشجویان حضور داشته باشند، دیگر به استقلال سازمان‌های دانشجویی بخشه‌ای وارد نخواهد شد. این نیز خود تجربه دیگر است که با تخریب ارزش سازمان‌های دانشجویی را پایین می‌آورد اما به مراتب ارزش نفوذ و نقش جایگاه دانشجویان را در دفاع از حقوق مدنی و سیاسی شهروندان بالا خواهد برد.

- ۱- جنبش دانشجویی و مسئله هویت، صادق زیباکلام،
شرق ۱۷ آذر ۱۳۸۴
- ۲- مدیریت و ویرانگری، امید مهرگان، ۳۱ اردیبهشت
۱۳۸۴
- ۳- اسطوره - امروز، رولان بارت، ترجمه شیرین دخت
دقیقیان، نشر مرکز ۱۳۸۲
- ۴- آزادی خواهی توام با عقلانیت، علی سلحشور - مجید
رامدانش، شرق ۶ دی ۱۳۸۴
- ۵- سخنرانی داود دشمنانی (دبیر سیاسی انجمن اسلامی
دانشگاه تهران)، ایسنا، ۳۱ آذر ۱۳۸۴
- ۶- باده نامحورده، محمد طوچانی، شرق، ۲۶ آذر ۱۳۸۴
- ۷- مصاحبه محمد قائد، سایت روز آذآلین، ۱۶ آذر ۱۳۸۴

سال سوم ■ شماره ۷۲۷

نگاه

آرایش دو جناح و نقد درون گفتمانی

به هر حال می توان گفت که گفتمان مسلط در جامعه ایران، گفتمان دموکراسی است. این مفروضه این باشد که این گفتمان در جامعه ایران اکنون مسلط است، باید بگوییم که چنین باوری ندارم؛ زیرا ابزار قدرت و تبلیغات می توانند جریان سیاسی را تا اندازه قابل پیش بینی منسجم نگیند و ولی در جای شرایط برابر بعد است که این نتیجه برپای آن گفتمان در جامعه ایران مسلط است. در ارتباطات سیاسی در ریاست جمهوری با شرایط مواجه شدیم که تا توجه به اصلاح طلبان امکان داشت که کارهای خود نداشتند و حتی این باور وجودی که نهادهای سیاسی ظرفیت پذیرش جریان اصلاح طلبان را دارند و به همین جهت در مرحله اول که شاهد رقابت های بی این احمدی نژاد و هاشمی نبودیم، میزان آرا چندان به جریان راست معنادار نبود و حتی این در شرایط رخ داد اصلاح طلبان با معرفی تعداد زیادی کاندیدا دچار خودزنی بوده است. چراکه اگر بر روی یک حاکم دو کاندیدا اتفاق می افتد، قطعاً برده می شوند. این اظهارات اضافی که دویی را فرض بر صحت بگیریم که به نظر من چنین است، بیان راست در این انتخابات تا این حد آشفته نیست ممکن بود درست بخورد؛ بنابراین آن گفتمان قطعاً گفتمان مسلط است و اگر تاکنون تسلی به دست آمده به برخی دلایل و اسباب تا انفعال وسیع بین رهنمای رقیب بوده است. بر همین اساس به نظر می رسد جریان راست به طور کیفی امکان سازی خود را ندارد و این بازسازی در جریان راست همواره سطح باقی می ماند، همچنین تک چهره هابی که در این حلقه مدت درون گفتمانی را مطرح می کنند در جریان به انجام نخواهند رسید.

❖ منبع : ایستنا